



ضریب نفوذ جریان قرآنی کشور کم شده است

سیدعلی سرایی، قائم مقام شورای عالی قرآن گفت: ما یک تغییر نگرش نیاز داریم و به عنوان یک امر تفننی نباید به امور قرآنی نگاه شود، بلکه به عنوان یک راهبرد اصلی باید مبنای برنامه‌های نظام اسلامی باشد.

سیدعلی سرایی، قائم مقام شورای عالی قرآن گفت: ما یک تغییر نگرش نیاز داریم و به عنوان یک امر تفننی نباید به امور قرآنی نگاه شود، بلکه به عنوان یک راهبرد اصلی باید مبنای برنامه‌های نظام اسلامی باشد.

سیدعلی سراییبه گزارش ایکننا، مهر نوشت: در اوایل دهه پنجاه شمسی معمولاً آنچه که در دسترس و فضای شنیداری عموم مردم بود نوارهای قرآنی بود که از مرحوم استاد عبدالباسط یا استاد سعید مسلم وhellip وجود داشت. در شهرهای مذهبی نظیر قم و مشهد در اطراف حرم‌های مطهر افرادی بودند که نوارهای کاست را پخش می‌کردند و معمولاً صداهای ایشان شنیده می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی فضای فرهنگی کشور تغییر کرد و اکثر مردم توجهشان به قرآن کریم و جلسات مذهبی جلب شد و انگیزه پیدا کردند در این فضاها حضور داشته باشند. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی موجب تأسیس نهادها و سازمان‌هایی شد که در حوزه‌های مختلف دینی و مذهبی خصوصاً در حوزه قرآن کریم، مشغول به فعالیت شدند. خبرگزاری مهر درصدد است با بازخوانی اهداف و ضرورت‌های تشکیل چنین نهادهایی و هم‌چنین بررسی توفیقات، اشکالات و کاستی‌ها در حوزه فعالیت‌های قرآنی، زمینه‌ساز ارتقای سطح فعالیت‌های قرآنی در کشور گردد. می‌توانید سایر گزارش‌ها و گفتگوهای انجام‌شده را در اینجا ببینید.

یکی از نهادهایی که در حوزه مسائل قرآنی تأسیس شد، شورای عالی قرآن است. نگاه ویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مقوله قرائت قرآن به عنوان یک رسانه مؤثر که ریشه در تاریخ اسلام و منابع روایی دارد و آثار و برکات آن نیز از گذشته تاکنون کاملاً مشهود است و عرضه آن از طریق رسانه ملی، موجب اثرگذاری چند برابری این هنر اسلامی در کشورمان شد. بر همین اساس با دستور رهبر معظم انقلاب، شورای عالی قرآن در سال ۱۳۷۰ تأسیس شد. رهبر معظم انقلاب در حکم تأسیس این شورا خاطرنشان کرده‌اند: «&hellip با توجه به اهمیت قرآن مجید و نقش حیات بخش کلام الهی در جامعه اسلامی و نظر به لزوم پخش قرائت صحیح و دلنشین قرآن و سایر نعمات الهی از صدا و سیما جمهوری اسلامی و به منظور سیاست‌گذاری، نظارت، هدایت و ارتقای برنامه‌های مربوط به قرائت قرآن، اذان، مناجات، ادعیه و تواشیح، هیأتی&hellip تشکیل شده و وظایف مربوط را بر عهده گیرند. لازم است ترتیبی اتخاذ شود تا کلیه دستورالعمل‌های تنظیمی این هیأت به مبادی ذی‌ربط در صدا و سیما ابلاغ گردد و امکانات مناسب جهت موفقیت آنان فراهم شود»

بخش اول این مصاحبه با قائم مقام شورای عالی قرآن به نقش این شورا در امور قرآنی کشور پرداخته شد. سرایی جریان قرآنی را دارای رشد چشمگیری دانست که این شورا با نظارت‌های خود باعث رشد و ارتقای آن شده است. وی همچنین یکی دیگر از عملکردها و نقش این شورا را جلوگیری از انحرافات در عرصه تلاوت قرآن بیان داشت.

آنچه در ادامه می‌خوانید بخش دوم گفتگوی مهر با سید علی سرایی قائم مقام شورای عالی قرآن است:

* فضای قرآنی دچار چالش‌هایی در ادغام اتحادیه‌های قرآنی بود و مسئولین در تکاپوی چگونگی این مشکل بودند. در حال حاضر که این مشکل با ادغام دو اتحادیه حل شده، اما فضای قرآنی همچنان دچار رکود است، چطور می‌توانیم این رکود را به تحرک تبدیل کنیم؟

بله البته مشکلات حقوقی ادغام حل شد و اتحادیه واحد تشکیل شد و دو اتحادیه قبلی منحل شدند و در حال تصفیه هستند. البته در دستگاه‌های مرتبط ما شاهد نوعی بی‌انگیزگی برای حمایت از اتحادیه و واگذاری و برون‌سپاری وظایف در حوزه اجرا به اتحادیه هستیم که البته بخشی از آن به یک نگاه محتاطانه برمی‌گردد، که در عموم دستگاه‌ها وجود دارد و واسپاری امور به بخش خصوصی و مردمی با احتیاط و بسیار کند انجام می‌شود. بخشی از آن هم ناشی از عدم اعتماد کامل به توان اتحادیه و ریسک‌پذیری دستگاه‌ها است. البته بخشی هم شاید از عدم انسجام کامل داخلی اتحادیه باشد که طبعاً قدرت چانه‌زنی، اتحادیه را کاهش می‌دهد. اما به هر حال بنده به آینده امیدوارم و فکر می‌کنم مشکلات به تدریج حل خواهد شد.

آن دوگانگی و دو جریان موازی در مؤسسات که بین مؤسسات منسوب به وزارت ارشاد و مؤسسات منسوب به سازمان تبلیغات اسلامی وجود داشت با سرعت خوبی دارد حل می‌شود. امیدوارم با درایت مدیران عامل و اعضای هیأت‌مدیره اتحادیه‌های استانی و هیأت‌مدیره اتحادیه کشوری این احساس که دو جریان موازی با نگرش‌های متفاوت در اتحادیه وجود دارد، و هر جریان

بسته به قدرتی که در اتحادیه دارد، سعی در تقویت جریان متبوع خود دارد، کم رنگ تر و از اذهان اعضا پاک شود. بنده الان اهتمام به این امر را در غالب اعضای هیأت مدیره اتحادیه کشوری حس می کنم و امیدوارم که این اهتمام فراگیر شود و انسجام هرچه بیشتر اتحادیه در تمام سطوح محقق شود.

*به نظر شما سیاسی بودن مدیران و مسئولان قرآنی چه اشکالاتی در فعالیت ها به وجود خواهد آورد؟

به نظر حقیر در نظام جمهوری اسلامی مقوله ی سیاست یک امر کاملاً آمیخته با مذهب و فرهنگ است و نمی شود اینها را از هم جدا کرد. آن چیزی که شاید دغدغه ی شما هم باشد سیاسی کاری است و غلبه دادن نگاه های سیاسی جناحی به مصالح کلی در هر مقوله ای هست که این امر چیز مذموم و خوبی نیست.

بالاخره یک مدیر قرآنی باید بینش سیاسی داشته باشد حتی جریانات سیاسی را بشناسد اما در تصمیم گیری ها جناحی عمل نکند. اما اینکه سیاسی کاری را در فعالیت هایش در انتخاب مدیران، در حمایت ها، غلبه دهد این امر خوبی نیست.

مثلاً در بین جریانات فرهنگی و مذهبی کشور جریاناتی هستند که نوعی انحراف در اندیشه های آنها وجود دارد، و اینکه یک مدیر، مخصوصاً نوع نگاه و رفتار فرهنگی این جریانات را خوب شناخته و با ظرافت های کارشان آشنا باشد این به نظر امر خوب و بلکه لازمی است. اما اینکه بخاطر نگاه های سیاسی یک فعالیت خوب قرآنی کنار گذاشته شود، مناسب نیست و فکر نمی کنم در دولت جدید با انگیزه های خوبی که در حوزه نشر ارزشهای اسلامی و قرآنی وجود دارد، چنین اتفاقی بیافتد.

*چرا فضای قرآنی کشور به خانه ای شبیه شده که در محدوده پرچین شده واقع است و فعالیت های قرآنی در خارج از این محدوده وجود ندارد و تنها عده ای خاص را در بر می گیرد در حالی که باید کلیت این فعالیت ها برای همه اقشار جامعه باشد؟

این یک بحث حاکمیتی کلان هست و خیلی ظریف هست حالا شما جامعه ی قرآنی را فرمودید ولی در دیگر عرصه های فرهنگی و اجتماعی هم این مسئله وجود دارد. یعنی مثلاً سینمای ارزشی که بر اساس ارزش های انقلاب اسلامی شکل گرفته است آنها هم با چنین مشکلی مواجه هستند و ارتباطشان با بدنه ی جامعه یک ارتباط پویا و اثرگذار و جریان ساز نیست. این امر مختص جریان قرآنی کشور نیست بلکه نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و نهادهای ذی ربط ضریب نفوذی که در دهه های گذشته داشتند این ضریب نفوذ کم شده است.

البته بنده به این موضوع ورود تخصصی ندارم اما به عنوان فعال قرآنی و فعال مردمی حس می کنم ما با توجه به شرایط خاص کشور در یک دهه اخیر با آن مواجه بودیم که با شدیدترین تحریم ها و از یک طرف تحریم های اقتصادی که فشار اقتصادی زیادی به مردم ما وارد کرده و مسائل معیشتی مردم به شدت دچار چالش شده و از طرف دیگر با توجه به حجم بالای تهاجم فرهنگی و سیاسی به کشور که حاکی از آن است که جبهه ی دشمنان مقابل انقلاب اسلامی که عمدتاً به رهبری غرب و آمریکا است مخصوصاً از نفوذ جریان فکری جمهوری اسلامی شدیداً احساس نگرانی کرده و با تمام قوا به میدان آمده اند، این واقعیت که به هر حال کشور را دچار یک سری چالش هایی کرده و به هر حال مردمی که بایستی مقاومت کنند و از این پیچ تاریخی عبور کنند، مقدار تحمل و تاب آوری شأن متفاوت است، قابل انکار نیست. در این میان سو مدیریت ها، فشار بر مردم را مضاعف کرده است که مثال های آن را زیاد دیده ایم که مجموع این عوامل فضای سیاسی اجتماعی که امروز حاکم بر جامعه است را در اثرگذاری و قدرت نفوذ جریانات انقلابی و مذهبی مثل جریان قرآنی کشور با چالش مواجه کرده است و لذا بخش مهمی از این شرایط نامطلوب ویژه ی جامعه ی قرآنی نیست.

*جامعه قرآنی چقدر توانسته جریان های اجتماعی را راهبری کند؟ چه میزان از این ایفای نقش به دست جامعه قرآنی رقم خورده است؟

جامعه قرآنی قطعاً نقش بسیار اثرگذاری را در هدایت جامعه به سمت ارزش های اسلامی و قرآنی داشته است که بر کسی پوشیده نیست، مع الوصف لازم است که حاکمیت و به ویژه دولت، حمایت های خود را از فعالان قرآنی مردمی جدی تر و پررنگ تر و به عنوان یک راهبرد مدیریتی کلان در تقویت فرهنگ انقلاب، انجام دهد.

نباید به فعالیت های فرهنگی که جریانات مردمی انجام می دهند به عنوان کار فوق برنامه و کار تبرعی نگاه کرد که اگر انجام دادند که چه خوب و اگر انجام ندادند که هیچ. نظام اسلامی حتماً باید پشتیبانی در این عرصه را جدی بگیرد و اگر حضور نظام اسلامی کم رنگ باشد، ما حتماً ضربه خواهیم خورد.

آن دوگانگی و دو جریان موازی در مؤسسات که بین مؤسسات منسوب به وزارت ارشاد و مؤسسات منسوب به سازمان تبلیغات

امروز در کشور جریان‌های از جوانان وجود دارند که نظام اسلامی می‌تواند با پشتیبانی از این جریان‌ها اهداف کلان خود را جلو ببرد. بارها رهبر معظم انقلاب این صحبت‌ها را تکرار کرده‌اند، در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی حدود ده سال قبل هم این فرمایش را داشتند اما در برنامه ریزی‌های کلان این موضوع جدی گرفته نمی‌شود و مورد غفلت قرار می‌گیرد مشکلات مقطعی ذهن برنامه‌ریزان را پر می‌کند و از این ضرورت غفلت می‌کنند.

*پس از سال‌هایی که تنها یکی دو ترجمه فارسی از قرآن به چاپ می‌رسید، الان شاهد وجود ترجمه‌های متعددی از قرآن هستیم که باید زمینه‌ساز فهم بیشتر جوانان امروز جامعه از قرآن و ارتباط بیشتر با کلام وحی را به ارمغان بیاورد. مرکز طبع و نشر قرآن در این رابطه چه استراتژی دارد و افق پیش‌رویش چیست؟

مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی بیشتر پتانسیل و ماموریتش در خصوص متن قرآن است و البته با ظرفیت علمی و تخصصی که در مرکز داریم در عرصه ترجمه هم به صورت اثباتی فعالیت کردیم، یعنی ترجمه‌های خوب را ترویج کردیم و در قرآن‌هایمان از آنها استفاده می‌کنیم. ما در مرکز طبع و نشر بیش از یکصد نوع قرآن با ترجمه‌های مختلف چاپ و منتشر کردیم و این ترجمه‌ها کارشناسی شده و کم‌غلط هستند و مترجمین شخصیت‌های فرهیخته‌ای قلمداد می‌شوند. خودمان نیز یک ترجمه گروهی تهیه کرده‌ایم که مجموعه‌ای از اساتید در آن مشارکت داشتند و ترجمه روان و خوبی است. شرح ترجمه‌گونه‌ای هم برای دانش‌آموزان تهیه کرده‌ایم که البته هنوز منتشر نشده و فعالیت‌هایی در این باب داشته‌ایم، اما ممیزی ترجمه‌ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت خاص در معاونت قرآن و عترت وزارت ارشاد انجام می‌شود و آنجا ترجمه‌هایی که برای اولین بار قرار است چاپ شوند بررسی شده و در صورت تأیید در شورای مربوطه مجوز چاپ آن صادر می‌شود.

اما در ارتباط با ترجمه‌ی قرآن کریم یک بحث مفصل تخصصی وجود دارد که به هر حال بایستی در جای خودش بحث شود. ترجمه‌هایمان از دو سه جهت قابل نقد هستند قسمت اول ادبیاتی که در ترجمه استفاده می‌شود. قرآن کریم متن ادبی بسیار فاخر است و این کتاب در قله ادبیات عربی قرار گرفته است و کسی که با زبان عربی آشنایی داشته باشد می‌فهمد قرآن در اوج یک متن فاخر عربی قرار دارد، طبیعتاً در ترجمه قرآن، باید این نکته مورد توجه قرار گیرد. یک ترجمه ساده که جذابیت ادبی برای خواننده نداشته باشد در شأن قرآن نیست و متأسفانه ترجمه‌های معدودی به این مساله توجه کرده‌اند و یا شاید توانمندی‌ها کم است. نکته دوم بحث معادل‌یابی‌های دقیق برای عبارات و لغات قرآن است که مهم است. آنطور که در ادبیات عرب بحثی به نام فقه اللغة داریم و موشکافی‌هایی که برای لغات در زبان عربی صورت گرفته، در معادل‌یابی‌های ترجمه فارسی انجام نشده و ترجمه بعضی از لغات در ترجمه‌های مختلف، صحیح و دقیق نیست به طور مثال حتی در شایع‌ترین عبارات قرآنی، یعنی «بسم الله الرحمن الرحیم» معمولاً معنای دقیق و درستی از رحمان و رحیم بیان نشده است.

دوم اینکه ماهیت ترجمه قرآن کار بسیار سختی است، لذا بعضی از مفسران و متخصصان قائل به این هستند که قرآن اصلاً ترجمه پذیر نیست و نمی‌شود قرآن را ترجمه دقیق کرد. کار ترجمه گاهی بسیار از تفسیر سخت‌تر است. در تفسیر برای توضیح و تشریح مراد آیات، دست باز است و می‌توان با شرح و توضیح بالاخره مفهوم را به خواننده منتقل کرد، اما در ترجمه چنین نیست و باید با متن پیش رفت. فهم مراد خداوند از آیه در ترجمه سخت است. فهم زبان مبدا و برگردان آن به فارسی کار سختی است که بسیاری از ترجمه‌ها در این قضیه مشکل دارند. ما پروژه‌ی مشترکی را با معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشخص کردیم، البته هنوز این پروژه تبدیل به یک تفاهم‌نامه و قرارداد مشخص نشده اما در قالب این پروژه قرار است که روی این سه محوری که عرض کردم کار تخصصی شود تا به رشد ترجمه‌ها و دقیق‌تر شدن و جذاب‌تر شدن آنها بیانجامد.

*نظر شما در خصوص برنامه‌های قرآنی ارائه شده از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم چیست؟ مثلاً در مورد آمار و چشم‌انداز توسعه مؤسسات قرآنی در سال ۱۴۰۰ که در برنامه‌های ایشان آمده، نظرتان چیست؟

برنامه‌های قرآنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاحظه کردم و این برنامه‌ها را می‌شود از زوایای مختلف به آن نگاه کرد. آمار ثبتی که از مؤسسات قرآنی داریم که از دو نهاد سازمان تبلیغات و وزارت ارشاد مجوز گرفته‌اند بالغ بر چهار هزار مؤسسه است منتها واقعیت میدانی آن است که موسساتی که امروز وجود خارجی داشته و فعالیتی انجام می‌دهند به دو هزار مؤسسه هم نمی‌رسند.

یک ترجمه ساده که جذابیت ادبی برای خواننده نداشته باشد در شأن قرآن نیست و متأسفانه ترجمه‌های معدودی به این مساله توجه کرده‌اند

در وزارت ارشاد و هم در سازمان تبلیغات، پالایشی برای مؤسسات فعال در حال انجام است. یعنی مؤسسات فعال را شناسایی

کرده اند و مؤسسات غیر فعال را شناسایی کرده اند تا به تدریج یا زمینه فعالیت مجدد را فراهم کنند و یا از عرصه آمار مؤسسات فعال خارج خواهند کرد. آمار اگر دقیق نباشد ممکن است در برنامه ریزی ها ما را دچار مشکل کند. ما ممکن است بگوییم چهار هزار مؤسسه داریم و در برنامه ریزی ها روی آنها حساب باز کنیم و برنامه ای تدوین کنیم که روی نقش آفرینی این چهار هزار مؤسسه حساب باز کنیم و بعد در عمل شاهد خروجی مناسب نباشیم. مؤسساتی ممکن است اعضای هیأت مدیره داشته باشند ولی واقعاً فعالیت قابل توجهی در عرصه ی گسترش و توسعه ی فرهنگ قرآنی انجام ندهند. البته بعضی از مؤسسات هم هستند که اسم و رسم ندارند ولی فعالیت های میدانی بسیار خوبی دارند. این اعداد و آماری که امروز مطرح می شود و با هم تعارض دارد با نگاه های متفاوت مطرح می شود، شاید منظور ایشان دو هزار مؤسسه فعالی است که واقعاً نقش آفرینی می کنند.

البته بخشی از رکود در مؤسسات به خاطر شرایط خاص کشور و محدودیت های اقتصادی و شرایط بهداشتی و بخشی هم به مقطعی برمی گردد که یک نوع رقابت غیر طبیعی در صدور مجوز بین سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اتفاق افتاد که در آن زمان مدیران مربوطه فکرمی کردند گسترش کمی مؤسسات می تواند در قدرت چانه زنی آنها مؤثر واقع شود به همین علت تعداد زیادی مجوز صادر شد که آن کسانی که این مجوزها را دریافت کردند، از توانمندی های لازم برای برپا کردن و فعال کردن یک مؤسسه برخوردار نبودند. لذا امروز، مواجهیم با مشکل آمار غیرواقعی، که باید برای آن تدبیری شود، اینکه چطور می شود مؤسساتی که فعال نیستند را دوباره احیا کرد و اگر مؤسساتی که فعال نیستند و قابل فعال شدن هم نیستند، از آمار رسمی مؤسسات خارج شوند و ما با یک عدد اشتباه سرو کار نداشته باشیم. مسأله ای است که باید برای آن راهکاری، منطقی پیدا کرد.

*با استقرار دولت جدید و نگاه هایی که دولت جدید در عرصه ی فرهنگ دارد مطالبه ی جامعه و به صورت خاص جامعه ی قرآنی از دولت فعلی و از مدیران فرهنگی و آموزشی کشور چیست؟

مطالبات در عرصه های مختلف به صورت متنوع وجود دارد حمایت هایی که بایستی از فعالیت های قرآنی که فعالیت دستگاه های دولتی و مهم تر از آن حمایت از فعالیت های بخش مردمی می باشد از مطالبات مهم است. قانون گذاری ها و تسهیلاتی که بایستی از لحاظ قانونی برای فعالیت های مختلف قرآنی و فعالان قرآنی صورت بگیرد، برنامه ریزی های دقیق تر، تخصیص بودجه و اعتبارات بهتر به فعالیت های مختلف قرآنی مواردی است که همه نسبت به آن اذعان دارند.

اما به نظر حقیر مهم تر اینکه این دولت با این پتانسیل و ظرفیت که از لحاظ فرهنگی دارد و شعارهایی که ریاست محترم جمهور مطرح کردند به عنوان یک دولت انقلابی که در خدمت ارزشهای انقلابی است و با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و هدف غایی و راهبردی که معمار و رهبر کبیر انقلاب در وصیت نامه خودشان ذکر کرده اند که «ما می خواهیم مقاصد قرآنی را در جامعه پیاده کنیم» باید یک تغییر نگرشی نسبت به مقوله ی قرآن و فرهنگ قرآنی داشته باشد.

به عنوان یک خرده فرهنگ به مقوله ی فرهنگ قرآنی نباید نگاه شود. در نظام جمهوری اسلامی در واقع سبک زندگی قرآنی اصل است و جمهوری اسلامی ماموریتش پیاده کردن و نهادینه کردن تعالیم قرآن در جامعه است. اگر روزی در جامعه موفق شدیم که دستورات قرآن را پیاده کنیم، آن روز انقلاب اسلامی به اهداف خودش رسیده است لذا ما یک تغییر نگرش نیاز داریم و به عنوان یک امر تفننی نباید به امور قرآنی نگاه شود، بلکه به عنوان یک راهبرد اصلی باید مبنای برنامه های نظام اسلامی در حوزه های مختلف اعم از فرهنگی و آموزشی، حوزه های اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی، همه بر محور قرآن و با پیوست قرآنی باشد. یعنی تمام برنامه های کلان کشور رابطه ی خودش را با قرآن مشخص کند باید معلوم شود که هر برنامه، کدام یک از دستورات قرآنی را پیگیری می کند؟ یا با کدام یک از دستورات اصلی قرآنی در تعارض است؟ اینها بایستی توسط محققین بررسی شود و واقعاً قوانین و سیاست هایی که با قرآن مغایرت دارد کنار گذاشته شوند و مصوباتی که ابلاغ می شوند در سطوح مختلف رابطه خودشان را با قرآن و دستورات قرآنی تعریف کنند، مخصوصاً در حوزه فرهنگ و آموزش.